

## وهابیت از دید گاه دانشمندان مسلمان

نویسنده: خادم حسین صالحی. ۱۳۹۳ / ۸ / ۸

### چکیده

این پژوهش به پاسخ سؤالات ذیل پرداخته است.

۱. وهابیت کیست؟
۲. دارای چه اوصاف است؟
۳. وهابیت و خوارج باهم چه شباهت‌های دارند؟
۴. اندیشمندان مسلمان وهابیت را چگونه معرفی نموده است؟
۵. آیا فرقه وهابیت به نفع جامعه اسلامی است یا بر ضرر جامعه اسلامی؟

### کلمات کلیدی

اوصاف، وهابیت، شباهت، خوارج، محمد بن عبدالوهاب، ابن تیمیه، شیعه، اهل سنت.

### مقدمه

یکی از بزرگ‌ترین و دردناک‌ترین تراژدی‌های وارده برای امت اسلامی، فتنه ظهور وهابیت بود؛ این افراد نادان و بی‌بصیرت که با ادعای توحید و جلو گیری از بدعت، به خاطر فهم اشتباه خود از دین، دیگران را تکفیر کردند و می‌کنند و بین مسلمانان شبه افگنی کردند و در نتیجه جنگ‌های داخلی به راه انداختند. در واقع فتنه آنان سخت‌تر از فتنه حاکمان فاسق و غاصب و جائرنده؛ زیرا حقیقت این حاکمان با اندکی تحقیق و تفحص بر همگان روشن می‌شدند، اما با تحقیق در مورد وهابیت جز عبادت و حرف‌های فریبنده و توجیحات دینی، چیزی دیگر به دست انسان نمی‌رسند! و جز افراد متخصص و خبره به دین نمی‌توانند انحراف درونی وهابیت را کشف کنند.

و لذا با ظاهر جذاب و فریبنده و سخنان گمراه کننده بسیاری از مردم را فریب دادند و شفته روش خود کردند؛ و در نتیجه هزاران مصیبت و جنایت را بر پیکر اسلام و امت اسلامی وارد نمودند.

اما با هشیاری و مجاهدت علماء و اندیشمندان امت اسلامی اعم از شیعه و سنی، از همان ابتدا تا کنون بسیاری از زوایای این جریان خطرناک و باطل بر همگان آشکار شده است و نقاب فریب و نیرنگ از چهره ای این جنایت کاران بر داشته شده است.

### **روش تحقیق در این پژوهش**

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی، و کتابخانه‌ای است. توصیفی است از این جهت که وهابیت از دید گاه اندیشمندان مسلمان، بدون هیچ گونه دخالت یا استنتاج ذهنی ذکر می شود، کتابخانه‌ای است از این جهت که با مراجعه به کتب و منابع مورد نظر و فیش برداری و موضوع بندی، اقدام به تنظیم آن گردیده است. منابع مورد استفاده: قرآن کریم، و کتب معتبر روای، تاریخی، اعتقادی، تفسیر و اینترنت می باشد که در بخش منابع درج شده است.

### **وهابیت کیست؟**

وهابیت جنبشی مذهبی است که محمد بن عبدالوهاب التمیمی، حنبلی در قرن هجدهم در نجد عربستان بنیان گذاشت و از سال ۱۷۴۴ مورد پذیرش خاندان سعودی قرار گرفت. محمد بن عبدالوهاب معتقد بود تمام مطالبی که پس از قرن سوم هجری به اسلام افزوده شده جعلی است و بایستی از این مذهب حذف شود. این دیدگاه به یک پالایش اساسی در مذهب سنی اعتقاد داشت و زیارت قبور، تقدیس اولیاء و زندگی مجلل را از بزرگترین گناهان می دانست.

عبدالوهاب بعد از اینکه به دلیل مواضع خود از مدینه بیرون شد به شمال شرقی نجد رفته و خاندان سعودی را پیرو باورهای خود کرد و این باعث شد تا وهابیت از نظر سیاسی متحد دودمان سعودی باشد. شیخ سعودی متقاعد شد که وظیفه مذهبی آن‌ها به راه انداختن جنگ مقدسی علیه تمام مذاهب دیگر مسلمانان است. سعودی‌ها بر تمامی نجد مسلط شده، مکه و مدینه را اشغال کرده، به کربلا در عراق حمله‌ور شدند و تقریباً تمام شبه‌جزیره عربستان به جز یمن به تسلط آن‌ها درآمد. سلطان عثمانی که عربستان را تابع خود می‌دانست، با کمک گرفتن از حاکم مصر نخستین حکومت وهابی را در سال ۱۸۱۸ ساقط کرد، اما آن‌ها تحت رهبری فیصل اول دوباره احیا شده و حکومت خود را تا حدودی بازیابی کردند ولی بار دیگر و این بار به دست خاندان رشیدیه از شمال عربستان از قدرت کنار رفتند. در ۱۸۸۴ ریاض از کنترل آن‌ها خارج شد و در ۱۸۸۹ به کویت پناهنده شدند. در قرن بیستم سومین مرحله احیای وهابیت با موفقیت‌های ملک عبدالعزیز فرا رسید که در سال ۱۹۰۲ ریاض را تصرف کرد و تا سال ۱۹۳۲ با بازپس‌گیری تقریباً تمام مناطق از دست رفته موفق شد تا حکومت پادشاهی عربستان سعودی را بنیان‌گذاری کند و از آن زمان تسلط سیاسی و مذهبی وهابیت بر شبه‌جزیره عربستان تضمین شد. (۱)

---

۱ . . www.wikipedia.org

## وهابیت از دید گاه اندیشمندان شیعه

جای تر دید نیست که تمام علما و اندیشمندان جهان تشیع مخالف این فرقه ضاله‌اند؛ و سخنان بسیاری در این باره گفته‌اند. اما بیان تمام آن‌ها در این مقاله امکان پذیر نیست؛ و لذا به طور نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

### ۱. وهابیت از نظر امام خمینی قدس سره :

مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون‌های فتنه و جاسوسی مبدل شده‌اند که از یک طرف اسلام اشرافیّت، اسلام ابوسفیان، ... و اسلام آمریکایی را ترویج می‌کنند و از طرف دیگر سر بر آستان سرور خویش آمریکای جهان خوار می‌گذارند. (۱)

و نیز در پیام به مناسبت سالگرد کشتار حجاج در مکه می‌فرماید :

و می‌بینیم که ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروت‌های بی‌پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و عمال تبلیغاتِ مذهبِ ضد قرآنی می‌کند و وهابیت، این مذهب سراپا بی‌اساس و خرافاتی را ترویج می‌کند؛ و مردم و ملت‌های غافل را سوق به سوی ابرقدرت‌ها می‌دهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره برداری می‌کند. (۲)

### ۲. وهابیت از نظر مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای

مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای در دیدار جمعی از روحانیون حوزه های علمیه اهل سنت، در تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۵، فرمود:

از اول، وهابیت را برای ضربه زدن به وحدت اسلام و ایجاد پایگاهی مثل اسرائیل در بین جامعه‌ی مسلمان‌ها به وجود آوردند. همچنان که اسرائیل را برای این که پایگاهی علیه اسلام درست کنند، به وجود آوردند، حکومت وهابیت و این رؤسای نجد را به وجود

۱. امام خمینی. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۳۲.

۲. همان، ص ۱۷۸.

آوردند تا داخل جامعه‌ی اسلامی، مرکز امنی داشته باشند که به خودشان وابسته باشد و می‌بینید هم که وابسته‌اند.

الآن این سلاطینی که در بقعه‌ی الاسلام وهابی هستند، از این که به وابستگی و رفاقت و طرفداری خودشان از سیاست‌های دشمنان اسلام - یعنی آمریکا - تصریح کنند، ابایی ندارند و آن را پوشیده نمی‌دارند. (۱)

### ۳. وهابیت از نظر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)

برای همه آگاهان روشن است که وهابیت، که به اتفاق همه گروه‌های مسلمین، از اسلام خارج است و مولود کفر و یهود می‌باشد، هیچ فلسفه وجودی به جز مخالفت با اسلام و قرآن و ایجاد تفرقه میان مسلمین ندارد. این گروه نه تنها به دنبال هدم مظاهر مقدس شیعه، بلکه در صدد از بین بردن همه آثار و مقدسات اسلامی، از جمله مرقد نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است؛ و روزی قرآن و کعبه مقدسه را نشانه خواهند رفت (پیام معظم له به مناسبت تخریب مجدد حر مین شریفین عسکرین علیهم السلام، ۱۳۸۶/۳/۲۳). (۲)

### ۴. وهابیت از نظر حضرت آیه الله العظمی صافی:

حضرت آیه الله صافی، در دیدار اعضای ستاد بازسازی عتبات عالیات، فرمودند: وهابی‌ها نه تنها با اهل بیت پیامبر علیهم السلام بلکه با شخص رسول الله صلی الله علیه و آله دشمنی دارند و در صدد از بین بردن نام و تاریخ اسلام برآمده‌اند. یاد و نام ائمه

اطهار علیهم السلام از بین رفتنی نیست و آن چیزی که به زودی خاموش می‌شود، فتنه وهابیت در جهان است و تنها جنایت‌های آنهاست که در تاریخ باقی می‌ماند. (۱)

## ۵. وهابیت از نظر آیت الله مکارم شیرازی:

توجه به این موضوع لازم است که وهابی‌ها که در دو قرن اخیر به رهبری، محمد بن عبدالوهاب سرزمین حجاز را تحت نفوذ افکار خود قرار داده‌اند در معتقدات تند و حاد خود که بیشتر در زمینه توحید است تنها با شیعه مخالفت ندارند بلکه با غالب مسلمان‌های اهل تسنن نیز شدیداً مخالفند...

پیروان این مکتب همانند خود محمد بن عبدالوهاب افرادی خشن و غیر قابل انعطاف و یک دنده و قشری و متعصبند و بیش از آنچه روی منطق تکیه می‌کنند، شدت عمل و خشونت به خرج می‌دهند، و دانسته یا نادانسته مسائل اسلامی را خلاصه در مبارزه کردن با چند مسئله همانند موضوع شفاعت و زیارت قبور و توسل کرده، و عملاً مردم را از مباحث مهم اجتماعی اسلام مخصوصاً آنچه مربوط به عدالت اجتماعی و محو آثار استعمار و مبارزه منطقی با غلبه روح مادی‌گری و مکتب‌های الحادی است دور نگه داشته‌اند.

به همین دلیل در محیط فکری آنها هیچ‌گونه سخنی از این مسائل مطرح نیست و در یک حال بی‌خبری و حشتناک نسبت به مسائل روز به سر می‌برند. (۲)

خشونت فوق‌العاده وهابی‌های افراطی، چیزی نیست که بر کس پوشیده و پنهان باشد. کشتاری که وهابیت در طول عمر خود از مسلمانان - نه کفار حربی - کرده، بسیار وحشت‌ناک است.

سیل خونی که در شهر کربلا از شیعیان به راه انداختند و غارت اموال و ویرانگری شهر کربلا را همه به خاطر دارند.

۱. [www.aviny.com](http://www.aviny.com)

۲. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه ج ۱، ص ۲۳۹ - ۲۴۰. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ: ۱۳۷۴ ش.

و از آن عجیب‌تر، کشتار هولناک طائف و خونریزی وسیع از اهل سنت آن سامان بود.

این‌ها نشان می‌دهد که خشونت در جوهر تعلیمات وهابیت است، و دلیل آن همان برداشت غلطی است که از کفر و ایمان و توحید و شرک دارند و به آسانی هرکسی را متهم به شرک می‌کنند و به دنبال آن اباحه دما و اموال است. (۱)

عجب این که در عصر و زمان ما گروهی از متعصبین نادان و خشک و دور از منطق، از وهابی‌ها به بهانه احیای توحید، سعی در تخریب پاره‌ای از مساجد و ساختمان‌های که بر قبور بزرگان اسلام و صلحاء بناء شده‌اند، و همیشه مرکز یاد خدا است، دارند؛ و عجیب‌تر این که: این ستمگران بی منطق، اعمال خود را تحت عنوان مبارزه با شرک، انجام می‌دهند و در این راه مرتکب انواع گناهان کبائر می‌شوند. (۲)

هم اکنون نیز افرادی که افکاری همچون افکار خوارج دارند و اعمالشان یادآور اعمال آنان می‌باشند در گوشه و کنار جوامع اسلامی پیدا می‌شوند و می‌توان بسیاری از وهابی‌ها را در این دسته جای داد، چرا که آن‌ها نیز به بعضی از ظواهر عبادات و مستحبات، سخت پایبندند و گاه انجام کوچک‌ترین مکروهات و یا مخالفت با مستحبات را جایز نمی‌دانند، ولی در مقابل، غالب مسلمانان را اعم از شیعه و سنی مشرک می‌شمرند و خون بسیاری را مباح می‌دانند و با این که از نظر تفکر اسلامی و عقائد، سخت عقب مانده‌اند، خود برتر بینی فوق‌العاده‌ای بر آن‌ها حاکم است، نادانی خوارج و غرور و خود بزرگ بینی آن‌ها و بی‌رحمی و قساوت در وجود آنان کاملاً هویدا است. آن‌ها همچون خوارج خود را حقّ مطلق و دیگران را باطل مطلق می‌پندارند یا آن که بهره کمی از علوم اسلامی دارند. (۳)

۱. مکارم شیرازی، ناصر. وهابیت برسر دوراهی، ص ۱۷. قم: سلیمان زاده. چاپ نهم ۱۳۸۶ ه.

۲. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۷۱. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ: ۱۳۷۴ ش.

۳. مکارم شیرازی، ناصر. پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام. ج ۲، ص ۶۷۷-۶۷۸.

## ۶. وهابیت از نظر آیت الله جعفر سبحانی

... ولی اکنون حرکت‌های وهابی بر اثر ثروت هنگفتی که آل سعود از طریق فروش نفت به چنگ می‌آورند افزایش یافته و سال ماهی نیست که از طرف ابوجهل و ابولهیب‌های زمان که کعبه را در قبضه دارند به گونه‌ای به مقدسات اسلامی حمله نشود و هر روز به نحوی آثار اسلامی از بین نرود، چیزی که حرکت آن‌ها را تند ساخته، همان اشارت‌های زیر پرده‌ای اربابان غربی آن‌ها است که از وحدت مسلمین بیش از کمونیس‌م بین‌المللی می‌هراسند و چاره‌ای جز این نمی‌بینند که به بازار مذهب تراشی و دین‌سازی داغی بخشند و بخشی از پول نفتی که به دولت وهابی «سعودی» می‌پردازند از این طریق نغله کنند و سرانجام از وحدت مسلمین به شدت جلوگیری نمایند و آن‌ها را مشغول تکفیر و تفسیق یکدیگر سازند. (۱)

---

<sup>۱</sup> . سبحانی، جعفر. آئین وهابیت، ص ۳۶. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.



## وهابیت از دید گاه اندیشمندان اهل سنت

اکثر دانشمندان اهل سنت عصر حاضر بر ضد وهابیت و تکفیری‌ها اظهار نظر نموده است؛ که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود:

### ۱. از نظر شیخ سلیمان بن عبدالوهاب، محمد بن عبدالوهاب کافر است.

شیخ سلیمان بن عبدالوهاب می‌گوید: از کارهای که مسلمانان انجام می‌دهند و در انجام آن اشکالی نمی‌بینند، هرکسی موافق آن نباشد چه از اهل سنت باشد یا غیر اهل سنت کافر است. (۱)

شیخ سلیمان خطاب به وهابی‌ها می‌گوید: برای فرقه نجات یافته پیامبر اسلام (ص) صفات معین شده که اهل علم و دانش نیز آن صفات را می‌دانند و از آن صفات حتی یک صفت در شما نیست. (۲)

### ۲. از نظر زینی دحلان متوفای ۱۳۰۴: محمد بن عبدالوهاب گمراه است.

زینی دحلان شیخ اسلام مسجدالحرام و مفتی مکه بود. وی در کتاب فتنه الوهابیه پیش‌بینی اساتید محمد بن عبدالوهاب، درباره گمراهی او را ذکر کرده و در ادامه می‌گوید او طبق این پیش‌بینی گمراه نیز شد. (۳)

### ۳. از نظر شیخ محمد بن عبدالله بن فیروز حنبلی: محمد بن عبدالوهاب از

#### نسل شیطان بود.

شیخ محمد بن عبدالله بن فیروز حنبلی می‌گوید که محمد بن عبدالوهاب شیخ «یعنی عبدالوهاب» در موقع وارد شدن بر مادرش (مادر محمد ابن عبدالوهاب) غافل شده و شیطان بر او سبقت گرفت، بنا بر این شیطان پدر این گردنکش بوده است. (۴)

۱. شیخ سلیمان بن عبدالوهاب. الصواعق الإلهیه فی رد علی الوهابیه. به نقل از محمد باقر خالص. وهابیت از دید گاه مذاهب اهل سنت، ص ۲۰، قم: انتشارات دار الفکر. چاپ اول، ۱۳۷۰.

۲. شیخ سلیمان بن عبدالوهاب. لصواعق الإلهیه فی الرد علی الوهابیه، ص ۴۱. ستانبول، ترکیه: مکتبه ایشیق. چاپ سوم، ۱۳۹۹.

۳. زینی دحلان، أحمد. فتنة الوهابیه، ص ۴. إسلامبول - ترکیا: لمکتبه الحقیقه. چاپ اول.

۴. عبد العزیز بن محمد بن علی العبد اللطیف. دعاوی المناوئین، ۳۷. ریاض: دار ظیبه.

۴. از نظر شیخ انور شاه کشمیری حنفی: محمد بن عبدالوهاب مردی کودن و بی سواد بود.

شیخ انور شاه کشمیری حنفی که از بزرگان علماء هند می باشد در شرحشان بر صحیح بخاری به نام «فیض الباری شرح صحیح بخاری» درباره محمد بن عبدالوهاب می گوید: اما محمد بن عبدالوهاب نجدی مردی کودن و کم عقل بود و در صدور فتوای کفر شتاب می کرد، در حالی که شایسته نیست کسی وارد این وادی شود، مگر کسی که اهل دقت و با تقوا باشد و انواع کفر و اسباب آن را بلد باشد. (۱)

۵. از نظر ابن عابدین حنفی، وهابیت خوارج زمان ما است.

ابن عابدین حنفی، که از علمای بنام حنفی است در حاشیه رد المختار می گوید: مطلب فی اتباع عبدالوهاب الخوارج فی زماننا

سخنی در مورد طرفداران عبدالوهاب، خوارج زمان ما

...برای خارجی شدن کافی است که دشمنان خود را کافر معرفی کنی؛ همان طور که در زمان ما در مورد طرفداران عبدالوهاب رخ داده است، که در نجد شورش کردند و حر مین را فتح کردند و ادعا می کردند که حنبلی هستند ولی می گفتند که تنها آنها هستند که مسلمانند و هر کس با آنها مخالفت کند مشرک است و با این بهانه خون اهل سنت را حلال شمرده و علمای آنان را کشتند. (۲)

۶. از نظر خلیل احمد سهارنپوری حنفی: محمد بن عبدالوهاب و پیروانش

از خوارجند.

از خلیل احمد سهارنپوری در رابطه با محمد بن عبدالوهاب سؤال شد که وی نظر خود را چنین اعلام کرد:

۱. انور شاه کشمیری حنفی، فیض الباری علی شرح البخاری، ص ۲۵۲. بیروت: دار الکتب العلمیه.

۲. ابن عابدین، حاشیه رد المختار علی الدر المختار شرح تنویر الأبصار فقه أبو حنیفة، ج ۴ ص ۲۶۷. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر. ۱۴۲۱ هـ ۲۰۰۰ م.

«پیروان محمد بن عبدالوهاب» نزد ما همان حکم نویسنده کتاب «الدرالمختار» است که گفته: آن‌ها خوارج هستند. (۱)

۷. از نظر شیخ احمد بن محمد بن صدیق الغماری، متوفای ۱۳۸۰: محمد بن عبدالوهاب شیطان بود.

وی در کتاب «الجواب المفید للسائل المستفید» می‌گوید:  
همین کفایت می‌کند که شیطان نجدی (محمد بن عبدالوهاب) و پیروانش و مذهب فاسدشان زائیده افکار و سخنان ابن تیمیه هستند. (۲)

۸. از نظر شیخ احمد رضا قادری حنفی: وهابیت پلید و نجاسات خوار گمراهانند.

شیخ احمد رضا قادری، در «کتاب قوارع القهار فی الرد علی المجسمة الکفار» ضمن بدعت گذار و گمراه دانستن وهابیت درباره عقاید انحرافی آن‌ها می‌گوید:  
بدانید که وهابیت پلید، نجاسات تمام گمراهان را خورده و از هر گروه گمراه، بخشی عقاید را گرفته و سهمیه خود را برداشته‌اند. (۳)

۹. از نظر نضال بن عبد الله آلہ رشی: وهابیت از خوارج امت اسلامی است.

نویسنده معروف نضال بن عبد الله آلہ رشی در کتاب «رفع الغاشية» به معرفی گروه‌های انحرافی از جمله وهابیت پرداخته وی در این زمینه گوید:  
اهل بدعت از حشویه وهابیت: در سخنان رسول خدا (ص) به اوصاف و جایگاهشان اشاراتی شده است به درستی که آن‌ها از گذشته تا حال از پیشینیان‌شان تا آیندگان‌شان خوارج این امتند. (۴)

۱. خلیل احمد سهارنپوری حنفی. عقائد علماء اهل السنة الديوبندية، ص ۵۸. راولپندی، پاکستان.

۲. شیخ احمد بن محمد بن صدیق الغماری، الجواب المفید للسائل المستفید، ص ۱۱. بیروت: دار الکتب العلمیه.

۳. شیخ احمد رضا قادری حنفی. قوارع القهار فی الرد علی المجسمة الفجار، ص ۴۲-۴۳.

۴. نضال بن عبد الله آلہ رشی. رفع الغاشية، ص ۱۲.

۱۰. از نظر شیخ ابراهیم بن عثمان سمودی: محمد بن عبدالوهاب، بدعت گذار، خارجی، گمراه کننده و گمراه شده بود.

شیخ ابراهیم بن عثمان سمودی استاد دانشگاه الازهر در کتاب «سعادة الدارين في الرد الفرقين الوهابية و مقلدة الظاهرية» در معرفی محمد بن عبدالوهاب و وهابیت چنین می نویسد:

ریشه وهابیت قومی از جاهلان اعراب هستند که به رئیسشان محمد بن عبدالوهاب بدعت گزار، خارجی، گمراه کننده و گمراه شده منسوب هستند. (۱)

۱۱. از نظر شیخ محمد ابن سلیمان کردی متوفای ۱۳۵۰: محمد بن عبدالوهاب به کفر نزدیک و از راه ایمان منحرف شده است و دروغ گو در لباس مذهب حنبلی است.

محمد بن سلیمان کردی در طی نامه ای به او انحرافاتش را متذکر می شود. قسمت از نامه این است:

...ولی بدان که تو حق نداری اکثریت مسلمانان را کافر بخوانی در حالی که تو از عامه مسلمین جدا شده ای و نسبت کفر دادن به کسی که از اکثریت مسلمانان دور افتاده، به حقیقت نزدیک تر است، زیرا که او راهی جز راه ایمان آورندگان را در پیش گرفته است. خدای تعالی می فرماید: (کسی که بعد از آشکار شدن حق، با پیامبر مخالفت کند و از راهی جز راه مؤمنان پیروی کند، ما او را به همان راه که می رود می بریم و به دوزخ داخل کنیم و برای او سرانجام بدی است). (۲)؛ و بدان گرگ گوسفندی را می درد از گله که دور افتاده است.

۱. شیخ ابراهیم بن عثمان سمودی. سعادة الدارين في الرد علي الفرقين الوهابية و مقلدة الظاهرة، ج ۱، ص ۴۷. قاهره: دار الخلود للتراث.

۲. سوره نساء(۴)، آیه ۱۱۵.

حاصل اینکه کسانی که محمد بن عبدالوهاب را رد کرده‌اند، عده زیاد و غیر قابل شمارش از شرق و غرب از بزرگان مذاهب اربعه هستند، که یا به صورت مفصل و یا مختصر در رد او کتاب نوشته‌اند برخی حتی با نصوص مذهب احمد بر او ردیه نوشته‌اند تا آشکار کنند که او دروغ گو در لباس مذهب امام احمد است. (۱)

## ۱۲. از نظر علامه صاوی، فرقه وهابیت از حزب شیطان است.

علامه صاوی مالکی، که از علمای مشهور مصر است در تفسیر خود به نام «حاشیة العلامة الصاوی علی تفسیر الجلالین» در ذیل آیه شریفه «الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ» (۲) می‌گوید:

گفته شده است که این آیه در مورد خوارج نازل شده است؛ که آیات قرآن و روایات را تأویل کرده و با آن خون مسلمانان و اموال آنها را حلال کردند! همان طور که الآن در گروه‌های مشابه آنها دیده می‌شود؛ گروهی که در زمین عربستان هستند و به آنها وهابیت گفته می‌شود و گمان می‌کنند که اهل حق هستند؛ آگاه باشید که آنها دروغ می‌گویند؛ شیطان بر آنان چیره شده و آنها را از یاد خدا غافل کرده است؛ آنها حزب شیطان هستند و حزب شیطان زیانکار است؛ از خداوند می‌خواهیم که ریشه آنها را بکند. (۳)

## ۱۳. از نظر علمای مذاهب چهارگانه وهابی‌ها از خوارجند.

ابو حامد بن مرزوق می‌گوید: علمای مذاهب چهارگانه گفته‌اند که وهابی‌ها از خوارج هستند. [خوارج را علمای اسلام به اتفاق خارج از دین می‌دانند]. (۴)

۱. شیخ محمد ابن سلیمان کردی. شواهد الحق فی الاستغاثة بسید الخلق، صفحه ۱۳۱. بیروت: دار الکتب العلمیه.

۲. سوره فاطر، (۳۵) آیه ۷.

۳. الصاوی المالکی، احمد بن محمد الخلوتی، حاشیة العلامة الصاوی علی تفسیر الجلالین، ج ۵ ص ۷۸. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴. ابوحامد بن مرزوق. التوسل بالنبی وبالصالحین. ص ۳. استانبول: چاپ ۱۳۹۱ ش. به نقل از وهابیت سیاسی، ص ۳۶۴. گرد آوری مؤسسه مطالعات اندیشه سازمان نور. تهران: اندیشه سازمان نور. چاپ اول، ۱۳۹۰.

## ۱۴. از نظر اسماعیل باشای بغدادی محمد بن عبدالوهاب مخالف پیامبر اکرم (ص) بوده.

اسماعیل باشا می‌گوید که محمد بن عبدالوهاب کتابی نوشته که در آن کتاب در مسائل متعددی با پیامبر اسلام مخالفت کرده. (۱)

با توجه به این که خداوند متعال اطاعت از پیامبر (ص) را لازم و از مخالفت با او منع نموده است.

## ۱۵. از نظر محمد بخاری ابن تیمیه بدعت گذار و کافر بوده.

(با توجه به این که بذر نخستین وهابیت در قرن ۷ هجری توسط ابن تیمیه پاشیده شد، اما رشد و ظهورش در قرن ۱۲ توسط محمد بن عبدالوهاب صورت گرفت. در واقع ابن تیمیه پایه و اساس فکری وهابیت را شکل داده است. مؤسس وهابیت محمد بن عبدالوهاب از نظرات و عقاید و افکار ابن تیمیه پیروی نموده است).

بنابراین قبول ابن تیمیه قبول وهابیت و رد ابن تیمیه رد وهابیت است.

محمد بخاری حنفی متوفای سال ۸۴۱ در بدعت‌گذاری و تکفیر ابن تیمیه بی‌پرده سخن گفته است، تا آنجا که در مجلس خود تصریح نموده است که اگر کسی ابن تیمیه را «شیخ الاسلام» بداند، کافر است. (۲)

## ۱۶. از نظر ابن حجر مکی ابن تیمیه فرد گمراه و گمراه‌کننده بوده.

ابن حجر مکی متوفای ۹۷۴، از دانشمندان بزرگ اهل سنت، در کتاب (الفتاوی الحدیثیه) در باره ابن تیمیه می‌نویسد:

خدا او را خوار، گمراه، کور و کر گردانیده است و پیشوایان اهل سنت و معاصرین وی از شافعی‌ها، مالکی‌ها و حنفی‌ها، بر فساد افکار و اقوال او تصریح دارند ... سخنان ابن تیمیه

۱ . البغدادي، إسماعيل باشا. هدية العارفين، ج ۲، ص ۳۵۰. بيروت: دار إحياء التراث العربي. چاپ ۱۹۵۵.

۲ . الشوكاني، محمد بن علي. البدر الطالع بحاسن من بعد القرن السابع، ج ۲، ص ۲۶۰. بيروت: دار المعرفة.

فاقد ارزش بوده و او فردی بدعت‌گذار، گمراه، گمراه‌کننده و غیر معتدل است، خداوند با او به عدالت خود رفتار نماید و ما را از شرّ عقیده و راه و رسم وی حفظ نماید. (۱)

### ۱۷. از نظر، قاضی شافعی دمشق خون و مال پیروان ابن تیمیه حلال است.

ابن حجر عسقلانی متوفای ۸۵۲ از عالمان بزرگ اهل سنت می‌نویسند: قاضی شافعی دمشق دستور داد که در دمشق اعلام کنند که: هر کس معتقد به عقاید ابن تیمیه باشد، خون و مالش حلال است. (۲)

### ۱۸. از نظر ذهبی، پیروان ابن تیمیه افراد عقب مانده، کم عقل، فرومایه،

### کودن، دروغ گو و مکار بودند.

ذهبی متوفای ۷۷۴، دانشمند بلند آوازه اهل سنت که خود همانند ابن تیمیه، حنبلی مذهب بود و در علم حدیث و رجال سرآمد عصر خویش بود، در نامه‌ای خطاب به وی می‌نویسد:

«یا خبیة! من اتبعك فإنه معرض للزندقة والإنحلال ... فهل معظم أتباعك إلاّ قعید مربوط، خفیف العقل، أو عامی، کذاب، بلید الذهن، أو غریب واجم قوی المکر، أو ناشف صالح عدیم الفهم، فإن لم تصدقنی ففتشهم وزنهم بالعدل ...»

ای بی‌چاره! آنان که از تو متابعت می‌کنند در پرتگاه زندق و کفر و نابودی قرار دارند ... نه این است که عمده پیروان تو عقب مانده، گوشه‌گیر، سبک عقل، عوام، دروغ‌گو، کودن، بیگانه، فرومایه، مکار، خشک، ظاهر الصلاح و فاقد فهم هستند. اگر سخن مرا قبول نداری آنان را امتحان کن و با مقیاس عدالت بسنج.

تا آن جا که می‌نویسد:

۱. الهیتمی المکی، أحمد شهاب الدین ابن حجر. الفتاویٰ الحدیثیه، ج ۱، ص ۸۳ و ۸۴. دار الفکر. الشیخ الأمینی. الغدیر، ج ۳، ص ۲۱۷. بیروت: دار الکتب العربی. چاپ چهارم ۱۳۹۷ ش.  
۲. العسقلانی، الحافظ شهاب الدین ابی الفضل أحمد بن علی بن محمد. لدرر الکامنة فی أعیان المائة الثامنة، ج ۱، ص ۱۷۱. صیدر اباد/ الهند: مجلس دائرة المعارف العثمانیة. چاپ دوم. ۱۳۹۲ هـ

گمان نمی‌کنم تو سخن مرا قبول کنی! و به نصیحت‌های من گوش فرا دهی! تو با من که دوست هستم این چنین برخورد می‌کنی پس با دشمنانت چه خواهی کرد؟ به خدا سوگند، در میان دشمنانت، افراد صالح و شایسته و عاقل و دانشور فراوانند، چنان که در میان دوستان تو افراد آلوده، دروغ‌گو، نادان و بی‌عار زیاد به چشم می‌خورند. (۱)

فقها شام، فتوای برعلیه ابن تیمیه صادر نمودند «البرهان بن الفرکاخ الفزاری» در حدود چهل سطر درباره نادرستی عقیده ابن تیمیه بر آن نوشته در آخر کار، حکم به تکفیر او کرده است. (۲)

### ۱۹. از نظر، عز بن جماعه. ابن تیمیه آدم گمراه و دروغ گو بود.

عز بن جماعه. ابن تیمیه را این گونه معرف می‌کند: «او بنده ای است که خدا او را گمراه کرده و به او لباس خواری و ذلت پوشانده و در اثر کثرت دروغ و افتراء، او را در پستی و حرمان جای داده است». (۳)

### ۲۰. از نظر سبکی، ابن تیمیه کسی است که اسلام و پاسدارانش را مورد

هدف قرار داده است.

آقای سبکی، که خدا روحش را مقدس و ضریحش را منور فرماید، در صدد پاسخ گوئی معتقدات فاسد «ابن تیمیه» برآمده و کتاب مستقلی در این باره نگاشته و با بهترین و منطقی‌ترین و روشن‌ترین دلائل، راه صواب را نشان داده است.

آنگاه گفته است: آنچه که از ابن تیمیه نقل شده اگر چه لغزشی جبران ناپذیر است و مصیبتی است که همواره آثار شومش باقی است، اما خیلی شگفت انگیز است، زیرا هوای نفس شیطانی‌اش چنان بر او چیره شده که وادارش نموده به سوی اسلام و پاسدارانش

۱. تکمله السیف الصیقل للکوثری، ص ۱۹۰. به نقل از، الشیخ الأمینی. الغدیر، ج ۵، ص ۸۸. بیروت: دار الکتب العربی. چاپ چهارم ۱۳۹۷ ش.

حسین العایش. صفات الله عند المسلمین، ص ۵۹. بیروت. لبنان: مؤسسة أم القرى لإحياء التراث. صائب عبد الحمید. بن تیمیه فی صورته الحقیقیة، ص ۵۱. بیروت: لغدیر للدراسات والنشر. چاپ، ۱۴۱۵.

۲. الشیخ الأمینی. الغدیر، ج ۵، ص ۸۷. بیروت: دار الکتب العربی. چاپ چهارم ۱۳۹۷ ش.

۳. همان، ج ۵، ص ۱۱۷.



تیراندازی نماید. بیچاره نفهمیده است که زشت‌ترین معایب را آورده است، زیرا در بسیاری از مسائل، با اجماع علماء مخالفت کرده و اعتراضات سخیف نسبت به پیشوایان مذهب مخصوصاً خلفا راشدین نموده است تا جایی که نسبت به خدا نسبت‌های ناروا داده برای او جهت و جسم قائل شده است و به کسانی که اعتقاد به مذهبش نداشته نسبت گمراهی داده است. (۱)

## ۲۱. از نظر علی قاری، ابن تیمیه دشمن پیامبر اکرم (ص) بود.

علی قاری در شرح الشفاء گفته است: ابن تیمیه که از حنبلی‌ها است تفریط کرده در وقتی که سفر برای زیارت پیامبر اکرم (ص) را حرام کرده است... کوشش او در منع مردم از زیارت رسول خدا دلیل این است که در اعماق دلش دشمنی‌ای نسبت به پیامبر اکرم وجود داشته است و گرنه چگونه ممکن است به سبب زیارت و توسل، تصور شرک درباره مسلمانانی که معتقدند. (۲)

## ۲۲. از نظر ابن بطوطه، ابن تیمیه دیوانه بوده.

ابن بطوطه، جهان گرد نامی مراکشی در سفرنامه‌اش می‌نویسد: در دمشق یکی از بزرگان فقهای حنبلی به نام ابن تیمیه را دیدم که در فنون مختلف سخن می‌گوید، ولی عقل او سالم نبود. (۳)

## ۲۳. از نظر حصنی دمشقی، ابن تیمیه زندیق بوده.

او می‌نویسد، که ابن تیمیه گفته است: «هر کس به مرده و یا فرد دور از نظر استغاثه کند ... ظالم، گمراه و مشرک است». از این سخن ابن تیمیه، بدن انسان می‌لرزد، این سخن، پیش از زندیق حران، ابن تیمیه از دهان کسی در هیچ زمان و هیچ مکانی بیرون نیامده

۱. همان،

۲. همان، ج ۵، ص ۱۲۴.

۳. محمد بن عبد الله بن محمد اللواتي. تحفة النظر في غرائب الأمصار وعجائب الأسفار، ج ۱، ص ۱۰۹. بیروت: مؤسسة الرسالة. چاپ چهارم، ۱۴۰۵.

است. این زندیق نادان و خشک، داستان عمر را وسیله‌ای برای رسیدن به نیت ناپاکش در بی‌اعتنایی به ساحت حضرت رسول اکرم، سید اولین و آخرین، قرار داده و با این سخنان بی‌اساس، مقام و منزلت آن حضرت را در دنیا پایین آورده است و مدعی شده است که حرمت و رسالت آن بزرگوار پس از رحلت از بین رفته است. این عقیده به یقین کفر و در واقع زندیق و نفاق است. (۱)

## ۲۴. از نظر علاءالدین بخاری و زین‌الدین حنبلی، ابن تیمیه کافر بوده.

عبد الغنی حماده، در کتاب «فضل الذاکرین و الرد علی المنکرین»، ص ۲۳. سوریا: چاپ، ۱۳۹۱. می‌نویسد که علاءالدین بخاری گفته است:

ابن تیمیه بدون شک کافر است، همان گونه که علامه زمان خود زین‌الدین حنبلی نیز گفته است که من ابن تیمیه را کافر می‌دانم؛ و زین‌الدین می‌گفت که امام سبکی که خدا از او راضی شود، در نسبت دادن کفر به ابن تیمیه حق دارد چون که او تمام امت اسلام را به کفر نسبت داده؛ و آنهارا در تفسیر آیه: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» (۲)، به یهودی و نصرانی تشبه نموده است. (۳)

## شبهت‌های وهابیت با خوارج

۱. الحصني الدمشقي، ابي بكر بن محمد بن عبد المؤمن تقي الدين. دفع الشبه عن الرسول (ص)، ص ۱۳۱. لقاہرہ: دار إحياء الكتاب العربي. چاپ دوم. ۱۴۱۸.

۲. سوره توبه، (۹)، آیه ۳۱.

۳. الرضوي، محمد الرضي. من أقطاب الكذابين أحمد بن تيمية الحراني، ص ۳۲.

خوارج و وهابیت شباهت‌های زیادی باهم دارند، که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود:

### ۱. تراشیدن سر

یکی از علائم ظاهری خوارج در زمان رسول خدا (ص) طبق روایات اهل سنت، تراشیدن سر است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: از سمت مشرق گروهی قیام می‌کنند که ... روش آن‌ها این چنین است، قرآن می‌خوانند ولی از استخوان ترقوه آن‌ها عبور نمی‌کند! از دین مانند بیرون رفتن تیر از کمان بیرون می‌روند! و دیگر به دین باز نمی‌گردند و علامت ظاهری آن‌ها سر تراشیده است! و به صورت مستمر قیام می‌کنند تا اینکه آخرین آن‌ها به همراه دجال قیام کند! اگر آن‌ها را دیدید، بکشید؛ که آن‌ها بدترین مخلوقات با بدترین اخلاق هستند. (۱)

محمد بن سعود، به همه اتباعش دستور داد که سرهایش را بی تراشند؛ و دلیل این دستور را این گونه بیان می‌کند: در نزد ما تراشیدن سر رسم است؛ به جز نادانان این کار را ترک نمی‌کنند... در زمان ما کفار سر خود را نمی‌تراشند؛ و نتراشیدن سر، شبیه شدن به آن‌ها است. (۲)

### ۲. تراشیدن سبیل و کوتاه کردن لباس

یکی دیگر از اوصاف خوارج این بودند که خوارج سر خود را می‌تراشیدند، و لباس‌های کوتاه می‌پوشند. خطیب بغدادی در این زمینه از عایشه همسر رسول خدا (ص) در بیان علامات خوارج چنین نقل می‌کند که پیامبر فرمود: امت من بر دو فرقه می‌شوند و یکی از آن دو از دین بیرون می‌رود، گروهی که سر خود را تیغ زده و سبیل را نیز از ته می‌زنند! لباس‌های آنان تا نیمه ساق پایشان است، قرآن می‌خوانند اما از گلوی آنان عبور نمی‌کنند

۱. الشیبانی، أحمد بن حنبل أبو عبدالله. مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۴، ص ۴۲. مصر: مؤسسة قرطبة.  
 ۲. محمد بن عبد الوهاب. مجموعة الرسائل والمسائل النجدية، ج ۴، ص ۵۷۸. باب حكم المصافحة والمعانقة وتقبيل اليد وحلق الرأس.

(یعنی به آن عمل نمی‌کنند) و کسی که از همه مردم به من محبوب‌تر است و خدا نیز او را از همه بیشتر دوست دارد با آنها می‌جنگد. (۱)

وهابیت نیز دارای همین او صاف است.

### ۳. استفاده ابزاری از شعار «لا حکم إلا لله»

از اوصاف دیگر خوارج این بود که از قرآن استفاده ابزاری می‌کردند. مثلاً برای تکفیر حضرت علی (ع) به آیه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» استدلال می‌کردند و می‌گفتند که علی، مردمان را در مورد کتاب خدا حاکم قرار داده است! پس غیر خدا را حاکم بر مسلمانان کرده است. (۲)

محمد بن عبدالوهاب بنیان‌گذار مکتب وهابیت، نیز از آیات قرآن استفاده ابزاری نموده است. او در کتاب «الرسائل الشخصية» می‌نویسد:

مخالف ما «قل هو الله أحد» را در باب توحید کافی دانسته است؛ سپس کارهای مخلوقات و خالق را یکی دانسته و بنا بر این، خالق جز خدا نیست؛ و همچنین در باب الوهیت جز خدا کسی پرستیده نمی‌شود؛ و در باب امر و نهی نیز یکی است.

پس «لا حکم إلا لله»؛ و این سه نوع را قبول کرده اما خود دوباره به آن کافر می‌شود! اما اگر ما کسی را که می‌گویید، عبدالقادر (گیلانی) و اولیاء نفع و ضرر است، تکفیر کنیم (مخالف ما) می‌گویید «مسلمانان را تکفیر کردید!» اگر کسی که شمسان و تاج و حطاب را می‌خواند، کافر دانستیم می‌گویید «مسلمانان را تکفیر کردید» عجیب این است که او قبول دارد که یکی از بخش‌های توحید، توحید در امر و نهی و قبول «لا حکم إلا لله» است ولی اگر به حکم خدا عمل کنیم، کلام ما را نمی‌پذیرد. (۳)

۱. أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي. تاريخ بغداد، ج ۱، ص ۱۶۰. بيروت: دار الكتب العلمية.

۲. الدليمي، محمود عيدان أحمد. الصحابة ومكانتهم عند المسلمين، ج ۱ ص ۱۲۹.

۳. محمد بن عبد الوهاب. لرسائل الشخصية، ج ۱، ص ۸۹. الرياض: مطابع الرياض. چاپ اول. تحقيق: عبد العزيز بن زيد الرومي، د. محمد بلتاجي، د. سيد حجاب

یعنی محمد بن عبدالوهاب با استفاده ابزاری از آیات قرآن، مثل خوارج سعی می‌کند مخالفین خود را تکفیر کند.

#### ۴. تظاهر فراوان به عبادات و قرائت قرآن.

از اوصاف دیگر خوارج این بود، مقدس مآب بودند و نسبت به نماز و تلاوت قرآن اهتمام می‌ورزیدند، حتی از کثرت سجده، پیشانی آن‌ها پینه بسته بودند، اما در فهم قرآن و نماز تدبیر نمی‌کردند.

وهابی‌ها نیز دارای چنین اوصاف هستند و در ظواهر مسائل دینی بسیار سخت‌گیرند، نسبت به نماز و تلاوت قرآن اهتمام می‌ورزند. اما بدون تدبیر در فهم قرآن.

#### ۵. کشتن مسلمانان و رها کردن کفار

خصوصیات دیگر خوارج این بود، که مسلمانان را می‌کشت و کفار را رها می‌کرد. در صحیح بخاری آمده است: فرد از خوارج که نسبت به تقسیم بیت‌المال به پیامبر اکرم (ص) اعتراض نمود. پیامبر فرمود: در پی این شخص، گروهی می‌آیند که قرآن می‌خوانند اما از حنجره آن‌ها عبور نمی‌کند! از دین مانند بیرون رفتن تیر از کمان بیرون می‌روند، اهل اسلام را می‌کشند اما اهل بت‌پرستی را رها می‌کنند. (۱)

وهابی‌ها نیز دارای چنین اوصافند. با توجه به این که دشمنی‌ها و جنایات وحشتناک اسرائیل بر علیه مسلمانان بر کسی پوشیده نیست. ولی آن‌ها تا به حال هیچ‌گونه عملیات قابل ذکری بر ضد اسرائیل نداشته‌اند. اما وهابی‌ها مسلمانان زیادی را تاکنون قتل عام نموده، و هم اکنون نیز در کشورهای متعدد اسلامی مشغول کشتار مسلمانانند، مثل افغانستان، پاکستان، سوریه، لبنان، عراق، بحرین و یمن.

#### ۶. آیات مربوط به کفار را بر مسلمانان تطبیق می‌دهند

۱. محمد بن اسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی. لجامع الصحیح المختصر، ج ۳، ص ۱۲۱۹. حدیث ۳۱۶۶. بیروت: دار ابن کثیر. چاپ سوم، ۱۴۰۷ - تحقیق: د. مصطفی دیب البغا.

از جمله خصوصیات خوارج این است آیاتی را که برای کفار نازل شده، بر مسلمانان تطبیق می‌دهند و می‌گویند این مسلمانان نیز در حکم همان کفار است. چنانکه بخاری در صحیح خود می‌نویسد:

ابن عمر خوارج را بدترین مخلوقات خداوند می‌دانست و می‌گفت: آن‌ها به سراغ آیاتی که در مورد کفار بود رفتند و آن‌ها را در مورد مؤمنین قرار دادند. (۱)  
 وهابیت نیز دارای چنین خصوصیت است، آیات که بر کفار نازل شده بر مسلمانان تطبیق می‌دهند؛ و این گونه استدلال می‌کنند:

درست است بسیاری از آیات در مورد کفر و شرک کفار است ولی نباید قرآن را تعطیل کرد و باید مصداقی از آن در بین مسلمانان پیدا کرد. (۲)

### ۷. استفاده از ظواهر روایات برای تکفیر دیگران

از جمله او صاف خوارج آن بود که هر روایتی که در آن لفظ کفر آمده بود، حمل بر ظاهر کرده و به وسیله آن مخالفین خود را تکفیر می‌کردند. مثل این که خوارج استدلال می‌کنند، به این روایت، که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «سباب المسلم فسوق وقتاله کفر». (۳)  
 فحش دادن به مسلمانان فسق است و جنگ با مسلمان کفر. بنابراین صحابه بهم دیگر فحش می‌دادند و می‌جنگیدند، پس فاسق و کافرند.

وهابیت نیز با استدلال به ظاهر الفاظ، هر کجا لفظ کفر یا شرک را در روایات ببینید، حکم به تکفیر صاحب آن می‌کنند. به عنوان مثال، محمد بن عبدالوهاب در کتاب التوحید خویش با استناد به روایت «الطیرة شرک» کسی را که فال بد بزند مشرک می‌داند. (۴). یا با استفاده از روایت «من حلف بغير الله فقد كفر أو أشرك» قسم به غیر خدا را شرک می‌داند. (۵)

۱. همان، ج ۶، ص ۲۵۳۹.

۲. محمد بن عبد الوهاب. مجموعة الرسائل والمسائل النجدية، ج ۳ ص ۷۸. به نقل از

۳. أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني. مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۵۸. دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

۴. محمد بن عبد الوهاب. التوحید، ج ۱، ص ۸۳. الرياض: مطابع الرياض، چاپ اول

۵. همان، ج ۱، ص ۱۱۰.

## نتیجه گیری

۱. علمای شیعه وهابیت را این گونه معرفی می کنند:

کانون فتنه و جاسوسی است.

مولود کفر و یهود است.

مخالف شیعه و سنی است.

یک مذهب بی اساس و خرافی است.

در صدد از بین بردن وحدت مسلمین است.

در صدد از بین بردن نام و تاریخ اسلام است.

خود را حق مطلق و دیگران را باطل مطلق می دانند.

اسلام اشرافی، ابوسفیانی و امریکایی را ترویج می کنند.

ثروت مسلمانان را بر علیه دین و قرآن هزینه می کنند ...

فلسفه وجودی وهابیت مخالفت با اسلام و قرآن است.

در صدد از بین بردن همه آثار و مقدسات اسلامی است.

به صورت وحشتناک دست به کشتار مسلمانان زدند.

از اسلام و قرآن برای نابودی اسلام و قرآن استفاده می کنند.

مسلمانان را متهم به شرک می کنند و در نتیجه خون آنها را مباح می دانند.

۲. از نظر علمای شیعه وهابیت دارای اوصاف ذیل است.

افراد خشن، غیر قابل انعطاف، متعصب، نادان، بی منطق، ستمگر، بی رحم، قسی القلب و

متکبر.

۳. علمای اهل سنت، ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب و پیروانش را این گونه معرفی

می کنند:

آن‌ها کافر، گمراه، گمراه‌کننده، شیطان، از حزب شیطان، خوارج، نجس، نجاست خوار، بدعت‌گذار، دیوانه، زندیق، عقب‌مانده، کم‌عقل، فرومایه، کودن، بی‌سواد، دروغ‌گو، مکار، دشمن پیامبر و دشمن مسلمانان، است.

۴. از نظر علمای اهل سنت، وهابیت و خوارج در اوصاف ذیل مشترکند.

تراشیدن سر.

تراشیدن سبیل و کوتاه کردن لباس.

استفاده ابزاری از شعار «لا حکم الا لله».

استفاده از ظواهر روایات برای تکفیر دیگران.

تظاهر فراوان به عبادات و قرائت قرآن.

کشتن مسلمانان و رها کردن کفار.

آیات مربوط به کفار را بر مسلمانان تطبیق می‌دهند.

بنا بر این لازم است که همه مسلمانان آگاه و هشیار باشند تا فریب این فرقه ضاله را نخورند.



## منابع

١. قرآن
٢. ابن عابدين، حاشية رد المختار على الدرالمختار شرح تنوير الأبصار فقه أبو حنيفة. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر. ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م.
٣. ابو حامد بن مرزوق. التوسل بالنبي و بالصالحين. استانبول: چاپ ١٣٩١ ش.
٤. أميني. الغدير. بيروت: دار الكتب العربي. چاپ چهارم ١٣٩٧ ش.
٥. البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله. لجامع الصحيح المختصر. حديث ٣١٦٦. بيروت: دار ابن كثير. چاپ سوم، ١٤٠٧. تحقيق: د. مصطفى ديب البغا.
٦. البغدادي، أحمد بن علي أبو بكر الخطيب. تاريخ بغداد، بيروت: دار الكتب العلمية.
٧. البغدادي، إسماعيل باشا. هدية العارفين. بيروت: دار إحياء التراث العربي. چاپ ١٩٥٥.
٨. حسين العايش. صفات الله عند المسلمين... بيروت. لبنان: مؤسسة أم القرى لإحياء التراث.
٩. الحصني الدمشقي، ابي بكر بن محمد بن عبد المؤمن تقي الدين. دفع الشبه عن الرسول (ص)، لقااهرة: دار إحياء الكتاب العربي. چاپ دوم. ١٤١٨.
١٠. خالصي، محمد باقر. وهابيت از دید گاه مذاهب اهل سنت. قم: انتشارات دار الفكر. چاپ اول، ١٣٧٠.
١١. الدليمي، محمود عيدان أحمد. الصحابة ومكانتهم عند المسلمين.
١٢. الرضوي، محمد الرضي. من أقطاب الكذابين أحمد بن تيمية الحراني.
١٣. زيني دحلان، أحمد. فتنه الوهابية إسلامبول، تركيا: لمكتبة الحقيقة. چاپ اول.
١٤. سبحاني، جعفر. آئين وهابيت. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
١٥. سمنودي، شيخ ابراهيم بن عثمان. سعادة الدارين في الرد على الفرقتين الوهابية و مقلده الظاهرة. قاهره: دار الخلود للتراث.

١٦. سهارنپوری حنفی، خلیل احمد. عقائد علماء اهل السنه الديوبنديه. راولبندی، پاکستان.
١٧. الشوکانی، محمد بن علی. البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع. بیروت: دار المعرفة.
١٨. شیخ سلیمان بن عبدالوهاب. لصواعق الإلهیه فی الرد علی الوهابیه. ستانبول، ترکیه: مکتبه ایشیق. چاپ سوم، ١٣٩٩.
١٩. الشیبانی، أحمد بن حنبل أبو عبدالله. مسند الإمام أحمد بن حنبل. دار النشر: مؤسسه قرطبه - مصر.
٢٠. الصاوی المالکی، احمد بن محمد الخلوتی. حاشیه العلامة الصاوی علی تفسیر الجلالین. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٢١. صائب عبد الحمید. بن تیمیه فی صورته الحقیقه. بیروت: لغدير للدراسات والنشر. چاپ، ١٤١٥.
٢٢. عبد العزیز بن محمد بن علی العبد اللطیف. دعاوی المناوئین. ریاض: دار طیبه.
٢٣. العسقلانی، الحافظ شهاب الدین أبی الفضل أحمد بن علی بن محمد. لدرر الكامنه فی أعیان المائه الثامنه. صیدر اباد/ الهند: مجلس دائره المعارف العثمانیه. چاپ دوم. ١٣٩٢ هـ.
٢٤. الغماری، شیخ احمد بن محمد بن صدیق. الجواب المفید للسائل المستفید. بیروت: دار الکتب العلمیه.
٢٥. قادری حنفی، شیخ احمد رضا. قوارع القهار فی الرد علی المجسمه الفجار.
٢٦. کردی، شیخ محمد ابن سلیمان. شواهد الحق فی الاستغاثه بسید الخلق. بیروت: دار الکتب العلمیه.
٢٧. کشمیری حنفی، انورشاه. فیض الباری علی شرح البخاری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
٢٨. کوثری، تکمله السیف الصیقل.
٢٩. گرد آوری مؤسسه مطالعات اندیشه سازمان نور. وهابیت سیاسی. تهران: اندیشه سازمان نور. چاپ اول، ١٣٩٠.

٣٠. اللواتي، محمد بن عبد الله بن محمد. تحفة النظار في غرائب الأمصار وعجائب الأسفار. بيروت: مؤسسة الرسالة. چاپ چهارم، ١٤٠٥.
٣١. محمد بن عبد الوهاب. مجموعة الرسائل والمسائل النجدية.
٣٢. محمد بن عبد الوهاب. التوحيد. الرياض: مطابع الرياض، چاپ اول
٣٣. محمد بن عبد الوهاب. لرسائل الشخصية. الرياض: مطابع الرياض. چاپ اول. تحقيق : عبد العزيز بن زيد الرومي، د. محمد بلتاجي، د. سيد حجاب
٣٤. مكارم شيرازي، ناصر. پیام امام امير المؤمنين عليه السلام.
٣٥. مكارم شيرازي، ناصر. تفسير نمونه. تهران: دار الكتب الاسلاميه. چاپ: ١٣٧٤ ش.
٣٦. مكارم شيرازي، ناصر. وهابيت برسر دوراهی. قم: سليمان زاده. چاپ نهم ١٣٨٦ ه.
٣٧. موسوی خمینی، روح الله. صحیفه نور.
٣٨. نضال بن عبد الله آله رشی. رفع الغاشية، ص ١٢.
٣٩. الهیتمی المکی، أحمد شهاب الدین ابن حجر. الفتاوی الحدیثیه. دار الفکر.

٤٠. [www.aviny.com](http://www.aviny.com)

٤١. [farsi.khamenei.ir](http://farsi.khamenei.ir)

٤٢. [www.wikipedia.org](http://www.wikipedia.org)

٤٣. [www.valiasr-aj.com](http://www.valiasr-aj.com)